نگاه

استاد منوچهر ستوده و چالش جاده ابریشم

غلامحیدر ابراهیم‌بای‌سلامی
عضو هیات‌مدیره انجمن علمی گردشگری

● در آستانه صدسالگی چهره ماندگار و استاد جغرافیای ایـران، دکتر منوچهر سـتوده، فرهیختـگان ایران مقام علمی ایشـان را ارج می‌نهند و به همین مناسبت، جشن می‌گیرند. امتیاز و تفاوت اندیشمندان فرزانه، در تشکیک و تحقیق نسـبت به مفاهیم، قضایا و فرضیاتی است که دیگران آنها را بدیهی فرض کرده‌اند؛ از همین روست که ویژگی مساله‌شناسی و تجمعی علم و تقویت نهاد دانش نمایان می‌شـود و حـوزه معرفت، تعالی می‌یابد. اسـتاد منوچهر سـتوده مفهوم مشـهور راه ابریشم را به چالش کشـیده‌اند و در مقالات مختلف آورده‌اند که «جاده‌ای به نام ابریشـم هرگز وجود نداشـته» از جمله پس از انتشار مقاله «چشم‌انداز توسعه پایدار شرق ایران» به قلم نگارنده این سـطور در شماره ۷۷ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ایشـان در یادداشتی تحت عنوان «جاده ابریشم، جاده‌ای رویایی» که در کتاب «جشـن‌نامه» دکترمحمدحسـین پاپلی‌یزدی به چاپ رسیده، با تذکر اینکه جغرافیدانان و سفرنامه‌نویسان مسلمان تا قرن دهم هجری سخنی از این امر به میان نیاورده‌اند، از کاربرد عنوان راه ابریشم و به ویژه اشاره نگارنده به سرآغاز تمدن نوین شرق با احیا و اصلاح جاده‌ها در مسـیرهای قدیم و به ویژه طراحی و تاسیس راه‌آهن خواف به هرات و در نهایت پکن، سخت برآشفته و اینجانب را مفتخر به عتابی کرده و پرسـیده‌اند: کسی نیست از نویسنده بپرسـد مگر مملکت ایران با جغرافی سـرکار نداشت، مگر این کشـور از تاریخ بی‌اطلاع بود؟ و آورده‌اند که: «نیمی از کتب هریک از جغرافی‌نویسان عالم اسـلام درباره مسالک است، چرا یک نفر از اینان سخن از راه ابریشـم ندارد، تا قرن دهم هجری خصوصا در دوران صفوی ما با جاده ابرایشم سرکار نداریم.» البته استاد فرزانه، اصل این مسیر ارتباطی را به عنوان یک شبکه پراهمیت بین‌المللی قبول دارند و سال‌ها به تدریس مولفه‌های اصلی آن پرداخته‌انـد و در جای دیگـر آورده‌اند؛ «به هر حال ما جاده‌ای داشـته‌ایم که از پکن آغاز می‌شـد و وارد خاک ماوراالنهر می‌شـد و پس از سرازیرشدن از پامیر، سمرقند و بخـارا که از آنِ ما بود عبور می‌کرد و پس از گذشـتن از داخل ایران به نَصیبین [جنوب ترکیه] و سرزمین‌های غربی وارد می‌شـد. به تحقیق، شناخت این جاده اصلی و جاده‌های فرعی آن قابل ارزش اسـت... چینی عمده‌ترین کالایی بود که در این جاده حمل می‌شد. مساله و اعتراض ایشان به اسم «راه ابریشم» است و با اشاره به اقدام سازمان یونسکو برای به کرسی‌نشـاندن این عنوان و پژوهش در خصوص این شبکه مواصلاتی، استفاده از این اسم را امری مشکوک از جانب اروپا می‌داند: «یک دفعه اروپاییان معلوم نیسـت چگونه و چرا این نام را ابداع کرده‌اند» و می‌گوید کجـای دنیا نام جاده را از کالایی گرفته‌اند که از آن عبور کرده «زیر این کاسه نیم‌کاسه‌ای است و به نظر من اثبات خودمحوری اروپا را تضمین می‌کند.» دقت و هشدار دکتر سـتوده در این خصوص که به حفـظ میراث فرهنگی و تاریخـی و به‌ویژه نسـبت به عناوین و مفاهیـم وارداتی حساس باشیم؛ ستودنی است اما این مهم نباید منجر به بی‌اعتمادی مطلق نسبت به اصطلاحات و مفاهیم نو شود و از کارکردهای مفید برخی از آنها غفلت شـود. گرچه به قول علی مظاهری «اصطلاح جاده ابریشم قدیمی نیست و تازه به کار می‌رود» اما اکنون هیچ دلیل برای این امر پیدا نشـده است که استفاده از عنوان راه ابریشم برای یکی از کهن‌ترین شـبکه راه‌های جهان که محور و کانون اصلی آن، ایران‌زمین است منع معرفتی داشته باشد یا رویکردی ایدئولوژیک، به آن‌سان که منافع کسی را تعقیب کند در پی داشته باشد. بدیهی است ضرورت دارد با دقت علمی بررسـی شود که ابداع و ترویج این مفهوم که با محوریت سازمان یونسکو به آن دامن زده می‌شود تاکنون چه سودی برای اروپاییان داشته یا در آینده برای آنان خواهد داشت؟ در نگاهی دیگر خلق مفهوم راه ابریشـم موجب توجه به عظمت تمدن گذشـته مشرق‌زمین و طرح علل و عوامل انحطاط و ادبار آن شده و توقع و انتظار تاسیس تمدن نوین شرقی را با دامن‌زدن به رودیکردی مساله‌شناسانه و ایجاد مجموعه و نظامی از مشکلات علمی فراهم آورده و انگیزه صدها پژوهش علمی جهت احیای این مسـیر ارتباطی شده اسـت. علاوه بر این در فرآیند نام‌گذاری این پدیده بزرگ اقتصادی و اجتماعی عنوان «راه ابریشم» به مراتب بهتر از «جاده چینی» اسـت و از سوی دیگر توجه به یک کالای فاخر برای نام‌گذاری، امری مردود و مذموم نیست و گسترش آن به مجموع ممالکی که به قول استاد، هریک به طور مستقل به راهداری و راهبانی می‌پرداخته‌اند نه تنها امری منفی نیسـت که از جهت همبستگی و همگرایی منطقه‌ای بسیار مثبت نیز تلقی می‌شود. خوب می‌دانیم که در منطقه‌ای که ناامنی و بی‌ثباتی در طول قرن‌ها یکی از مقوله‌های جدی و مستمر آن است تاکید بر مواصلات و تعامل از طریق شبکه راه‌های تجاری، تحت‌عنوان وجوه اقتصادی و کالایی بسیار مفید و ارزشمند است. از دیدگاه حفظ و ارتقای هویت و اصالت، گرچه به‌سـان بسیاری از اصطلاحات و مفاهیم، دیگر راه ابریشم (silk road) ابتدا بر زبان اهالی غرب جاری شـده و جغرافی‌نویسان شرقی دیرتر به آن پرداخته‌اند اما به استناد نوشته دکتر ستوده «در قرن دهم سـلاطین صفوی خرید و فروش ابریشـم را مخصـوص به خود کرده‌اند. ایران خـود یکی از مراکز تولید ابریشـم بوده است.» این امر هم‌اکنون در شهرها و روستاهای خراسان به ویژه در شهر «بایگ» تربت‌حیدریه با کارگاه‌های متعدد و متکثر پیله‌کشی مصداق زنده و واقعی دارد. نام راه ابریشم گرچه جدید است و بر زبان قدما نرفته، بدون تردید بی‌مسـما نیسـت و برای مردم ایران به ویژه بسـیاری از صاحبنظران که درخصوص تاریخ و توسـعه شرق فعالیت می‌کنند، تاکنون دارای اثرات مثبت بوده و حساسیتی منفی برنینگیخته‌است.

تندگویان اعلام کرد

اجماع اصلاح‌طلبان برای ریاست مسجدجامعی بر شورای شهر

عکس: میلاد پیامی

شـرق: منتخبان شورای چهارم نخستین جلسه خود را با «محمدباقر قالیباف» تشکیل دادند. جلسه‌ای دوساعته که در آن قالیباف به تشـریح عملکـرد خود پرداخت و اعضای شورا هم بخشی از سوالات خود را پرسیدند. حال یک سـوال به ذهن می‌آید که آیا با شـروع کار شورای چهارم باز هم قالیباف در مسند شهرداری تهران در شورا حاضر می‌شود؟ از سوی دیگر اصلاح‌طلبان منتخب شورا امیدوارند مسجدجامعی به دولت نرود و در شورا بماند تا صندلی ریاسـت به اصلاح‌طلبان برسد و حال باید دید مسجدجامعی در دوراهی شورا و وزارت فرهنگ و ارشاد کدام را انتخاب می‌کند؟ در ادامه گفت‌وگوی «شرق» را با سه عضو شورای چهارم درباره جلسه با قالیباف، انتخاب شهردار و رییس شورا می‌خوانید:

احمدحکیمی‌پور-عضو شورای چهارم- در این زمینه به «شرق» گفت: «این جلسه برای شناخت وضع موجود شهرداری بود و قرار شد این جلسات ادامه داشته باشد تا اعضای شورای چهارم از زبان مدیران شهرداری در جریان امور قرار بگیرند.» وی در زمینه انتخاب شهردار تهران و رییس شـورای شهر گفت: «تمام تلاش ما این است که شهردار و رییس شورایی با اکثریت آرا انتخاب کنیم.»

«احمد دنیامالی» دیگر عضو شـورای چهارم هم در این زمینه گفت: «مقرر شـده جلسات غیررسمی تا ۱۲ شـهریورماه ادامه پیدا کند. ضمن اینکه جلسه اعضا با قالیباف جلسـه صمیمی و گرم و غیررسمی بود. طبق قانون، اعضا نمی‌توانند از شـهردار یا معاونان او سـوال بپرسـند اما قالیباف گزارشی از برنامه‌ها و عملکرد خود ارایـه داد.» وی درباره گمانه‌زنی‌ها برای انتخاب خود به سمت شهرداری تهران گفت: «به هیچ‌وجه من آمادگی ایـن کار را ندارم. اگر فردی بداند شـهردار تهران بودن چقدر کار سـخت و طاقت‌فرسایی اسـت به هیچ‌وجه داوطلب نمی‌شود، ضمن اینکه اعضای اصلاح‌طلب شورا در کار تدوین شـاخص‌ها هستند. معمول‌ترین شاخص این اسـت که توانمندی فرد مدنظر در حوزه مدیریتی اثبات شـده باشـد. در زمینه انتخاب رییس شـورا هم امیدواریـم مسـجدجامعی به دولـت نـرود.» در ادامه گفت‌وگوی «شـرق» را با محمدمهدی تندگویان - عضو شورای چهارم- می‌خوانید:

چ جلسه اعضای شـورای چهارم با قالیباف چگونه بود؟

جلسـه بیشـتر معارفه بود. قالیباف گزارش کلی از عملکرد شهرداری ارایه داد و فرصتی برای نقد و بررسی نبود. تمام زمان جلسـه دو سـاعت بود که یک ساعت و ۴۰دقیقـه از آن را قالیبـاف صحبت کـرد و در زمان باقیمانده هم اعضای شورا سوالاتی پرسیدند و زمان برای پاسخگویی مناسب نبود و مقرر شد معاون‌های شهرداری جلساتی را با اعضای شورای چهارم برگزار کنند.

چ سوالات بیشتر حول چه محورهایی بود؟

سوالات بیشـتر حول مقولات شهرسـازی، تراکم، رسیدگی به مسایل فرهنگی و اجتماعی بود.

چ آیا اعضای شورا از پاسخ‌های قالیباف قانع شدند؟

از آنجایی که اعضای شـورای چهـارم هنوز جایگاه قانونی ندارند نمی‌توانیم انتظار قانع شدن داشته باشیم.

چ درباره جلسه اصلاح‌طلبان شورا در هتل اسپیناس هم توضیح می‌دهید؟

این جلسـه هم بیشـتر معارفه بود و بیان انتظارات نمایندگان ۱۷ گـروه اصلاح‌طلبـی که از فهرسـت اصلاح‌طلبان در انتخابات شوراها حمایت کرده بودند.

چ حضور محسـن هاشـمی در این جلسه به‌نوعی پیام داشت. آیا اصلاح‌طلبان روی گزینه‌های احتمالی شهرداری تهران هم وارد بحث شده‌اند؟

خیر در این جلسـه درباره انتخاب شهردار صحبتی نشد و بیشتر درباره وضعیت اصلاح‌طلبان در چهارسال آینده برای اداره شهر صحبت شد و گروه‌های اصلاح‌طلب خط‌مشی‌های خود را اعلام کردند.

چ این خط‌مشی‌ها شامل چه چیزهایی می‌شد؟

توجه به مترو، موضوعات عمرانی شـهر، رسـیدگی به مکان‌های فرهنگی، توجه بـه محیط‌های آموزش و مدارس و در کل توجه به مسایل فرهنگی و آموزشی از مهم‌ترین خواسته‌های ۱۷ گروه اصلاح‌طلب بود.

چ در جلسـات هفتگی اصلاح‌طلبان چـه؟ درباره انتخاب شهردار و هیات‌رییسه شورای شهر صحبتی نشده است؟

چـرا در این‌باره صحبت شـده اسـت و این موضوع یک حسـن دارد و آن این است که مواضع اصلاح‌طلبان نزدیکـی زیـادی به‌هـم دارد و افتراقی وجـود ندارد. گزینه‌های زیادی هم مطرح هستند. یکی از این گزینه‌ها قالیباف است که البته اصلاح‌طلبان چندان موافق عملکرد وی نیستند. البته هنوز برای این تصمیم‌گیری زود است. تعامل دولت با شهرداری مهم‌ترین اتفاق مدنظر ماست که دنبال می‌کنیم و بنابراین تا مشـخص نشـدن وزرا نمی‌توان درباره شهردار تصمیم‌گیری کرد. اما در زمینه انتخاب رییس شـورای شـهر اصلاح‌طلبان متفق‌القول هستند که مسجدجامعی رییس شورای شهر شود و در این زمینه اجماع دارند.

«هالیوود» زندگی چهره موفق صنعت گردشگری ایران را فیلم می‌کند

عباس برزگر در حال پذیرایی از میهمانان روستا؛ عکس: مهر

مریم شکرانی: قصه زندگی‌اش بیشتر از آنکه به واقعیت شـباهت داشته باشد به فیلم و افسانه می‌ماند. دستفروش فقیر روستایی که تنهـا روزی سـه‌هزارتومان درآمد دارد در یک شـب بارانی و تاریک، شـانس در خانه‌اش را می‌کوبد و درآمدش را به روزی شش‌میلیون‌تومان در روز می‌رساند. عباس برزگر ۳۷سـاله که روزی در انشای دوران کودکی‌اش نوشته بود دوست دارد در آینده شغل پادشاهی! داشته باشد و مورد تمسخر همکلاسی‌های فقیرش قرار گرفته بود حالا در روسـتای بزم اسـتان فـارس از طریق گردشـگری برای خودش پادشـاهی شده اسـت، آنطور که عباس برزگر به «شـرق» گفته است، چندی پیش گروهی از هالیوود به محل سکونتش آمدند و قرارداد ساخت فیلمی براسـاس زندگی‌اش را با او به امضا رساندند. این فیلم هم‌اکنون در حال ساخت اسـت و چندی دیگر در سینماهای جهان اکران خواهد شد. در همین رابطه به سراغ او رفته‌ایم که حاصل آن گفت‌وگوی زیر است:

چ روایت‌هـای مختلفـی از حادثه آن شب خوانده‌ام. خودت بگو دقیقا چه اتفاقی افتاد؟

در یک شـب بارانـی و تاریک در روسـتایمان به دو گردشـگر خارجـی و مترجمشـان برخـوردم که بی‌نهایت خسته و سـرگردان و کلافه بودند. آنها را به خانه‌مان دعوت کردم. شـامی کـه درخور دو میهمان خارجی و غریبه باشـد نداشتیم و مجبور شدم همان سـفره فقیرانه خودمان را برایشـان پهن کنم و همان دمپختک گوجه‌فرنگی که همسـرم بـرای خودمان پخته بود، برایشـان بیاورم. بعد هم آنها را به یک چای آتشی دعوت کردیم و تنها رختخواب‌های خانه را برای میهمانـان خارجی‌مان مهیا کردیـم و خودمان روی زمین خوابیدیم. قبل از خواب متوجه شدم یکی از آن خارجی‌ها که پسر جوان ۲۰ ساله‌ای بود بسیار ناراحت و پکر است. از مترجمشان علت ناراحتی‌اش را پرسیدم و اینکـه آیا در خانه ما به او خوش نمی‌گذرد؟ مترجم جواب داد که فردا تولد این پسر جوان است و او از اینکه از خانه و کشور و خانواده‌اش دور است غمگین است. در همین هنگام دختر و پسر کوچکم که شاهد گفت‌وگوی ما بودند نقشه جالبی کشیدند که باعث شد میهمانانمان بسیار هیجان‌زده و خوشحال شوند...

چ و نقشه آنها چه بود؟

علی و زهرا فردای آن روز قلکشـان را شکسـتند و تمام پـول آن را به راننده آژانس روسـتا سـپردند تـا از شـیراز برایشـان کیـک کوچکی بخـرد. آنها سـپس میز چرخ خیاطی مادرشـان را برداشتند و با پهن کردن قشـنگ‌ترین ملحفه گلدار خانه روی آن جشـن تولد کوچکی برای آن پسـر خارجی گرفتند و اسـباب‌بازی‌های خودشـان را به او هدیه دادند. این موضوع به‌قدری پسـر خارجـی را هیجان‌زده کرد که شروع به فیلمبرداری از این صحنه کرد. بعدها متوجه شدیم پدر آن پسر کارگردان تلویزیون است و مادرش روزنامه‌نگار است و آنها این موضوع را رسانه‌ای کرده‌اند و خارجی‌های زیادی خواستار سفر به ایران و حضور در خانه ما شده‌اند.

چ ایـن موضـوع را از کجـا متوجـه شـدی؟ آن خارجی‌ها دوباره با شما ارتباط برقرار کردند؟

نه. یک روز از سازمان میراث‌فرهنگی با من تماس گرفتند و گفتند باید خانه‌ات را به یک هتل روستایی تبدیل کنی چون در دنیا مشهور شده‌ای و بعد ماجرا را برایم تعریف کردند.

چ منظورشان از هتل روستایی چه بود؟ چقدر برای این کار هزینه کردی؟

هزینه خاصی نکردم. آنها تنها می‌خواستند میهمانان خارجی را مثل فامیل خـودم در خانه‌مان بپذیرم و با همان روش و سـبک و سـیاق از آنهـا پذیرایی کنم. درواقع میهمانان خارجی می‌خواستند چند روز زندگی به‌سبک روستاییان ایران را تجربه کنند و همان سادگی، صفا و محبت را درک کنند.

چ در حـال حاضر روسـتاییان زیـادی دیده‌ام که خانه‌شان را به گردشـگران کرایه می‌دهند تفاوت عباس برزگر با آنها چیست؟

تفاوت عباس برزگر این است که کاری نمی‌کند تا میهمانانش تصور کننـد او این کارها را برای پول و انعام انجام می‌دهد. تفاوتش این است که سر میهمانانش کلاه نمی‌گذارد متاسفانه برخی با تصور اینکه گردشگران خارجی هستند یا حتی اهالی یک شـهر دیگرند تا می‌توانند نرخ‌هـا را چند برابر می‌گیرند و جیب میهمان را خالی می‌کنند این موضوع تاثیر خیلی بدی بر روی صنعت گردشـگری دارد و درآمدزایـی در این حوزه را کاهـش می‌دهد. عباس برزگر در دهکـده گردشـگری‌اش به هیچ عنـوان انعام هم نمی‌گیرد و به دیگران هم اجـازه این کار را نمی‌دهد و غیراز هزینه اقامت در هتل روسـتایی‌اش هیچ پول اضافه‌ای از گردشگران دریافت نمی‌کند. عباس برزگر با مرغوب‌ترین و بهداشتی‌ترین موادغذایی از میهمانانش پذیرایی می‌کند. من برای میهمانانم چند دقیقه پیش از غذا از مزرعه‌ام سبزی تازه می‌چینم و ۱۰ دقیقه قبل از صبحانه از کندو عسل تازه درمی‌آورم و... گویا عزیزترین میهمانانم آمده‌اند. این صداقت گردشگران را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. در واقع پولی که با صداقت و درستکاری به دست می‌آید برکت پیدا می‌کند و رمز موفقیت عباس برزگر هم همین است.

عباس برزگر در دهکده گردشگری‌اش به هیچ عنوان انعام هم نمی‌گیرد و به دیگران هم اجازه این کار را نمی‌دهد و غیراز هزینه اقامت در هتل روستایی‌اش پول اضافه‌ای از گردشگران دریافت نمی‌کند. عباس برزگر با مرغوب‌ترین و بهداشتی‌ترین موادغذایی از میهمانانش پذیرایی می‌کند. من برای میهمانانم چند دقیقه پیش از غذا از مزرعه‌ام سبزی تازه درمی‌آورم و... گویا عزیزترین میهمانانم آمده‌اند. این صداقت گردشگران را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. در واقع پولی که با صداقت و درستکاری به دست می‌آید برکت پیدا می‌کند و رمز موفقیت عباس برزگر هم همین است.

چ جاذبه گردشـگری خانواده برزگـر تنها به نوع پذیرایی‌شان است؟

خیـر من گردشـگران را به تماشـای نان‌پختن و علف‌چیدن و میوه‌چینی روستاییان می‌برم. آنها را حتی به عروسی‌های روستایی می‌برم و در حنابندان و مراسم ایرانی شرکتشـان می‌دهم علاوه بر این گردشـگران خارجی را به سیاه چادرهای عشایری می‌برم و از آنها با دوغ و شیر تازه پذیرایی می‌کنم و...

چ گویا اولین تور عشـایری ایران را هم راه‌اندازی کرده‌ای؟

همین‌طور اسـت. من بـا تجربه‌ای که به دسـت آوردم متوجه شـدم که گردشـگران خارجی بیش از هرچیز در مورد شـیوه‌های زندگـی ایرانی کنجکاوند و تفاوت‌هـای فرهنگی‌مان. آنها نیامده‌اند که آدم‌ها و زندگی‌هایی شـبیه خودشـان ببیننـد. آنها بیش از هرچیز مشـتاق هستند تا ایرانی‌های اصیـل را ببینند و عشـایر به‌عنوان یک شیوه بکر و دست‌نخورده زندگی ایرانی، برای آنها جذابیت زیادی دارد بنابراین تور گردشگری عشایر را راه‌اندازی کردم و توانستم برای ۹هزار جوان روسـتایی و عشـایر منطقه‌مان کارآفرینی کنم و به‌عنوان برترین کارآفریـن صنعت گردشـگری کشورمان شناخته شوم. علاوه بر این نام من و خانواده‌ام در کتاب راهنمای گردشـگری یونسکو نیز به چاپ رسیده است.

چ کمی هم در مورد دهکده گردشگری‌ات توضیح بده.

دهکده گردشـگری عباس برزگر متشکل از چند خانه روسـتایی با ۱۲۰۰ متر مسـاحت است که سه اتاق آن با ۷۰۰ سال قدمت و طراحی به سبک زندگی روسـتایی ایران در ۷۰۰ سال قبل گران‌ترین اتاق‌های این دهکده به شمار می‌آیند. غیراز این در این دهکده مزرعه، دامداری، باغ میوه، فروشـگاه صنایع دسـتی عشـایر، فروشـگاه داروهای گیاهی و عرقیات گیاهی هم وجود دارد و محصولات غذایی میهمانان به صورت مستقیم از این مزارع و دامداری‌ها تامین می‌شوند.

چ کرایه اتاق‌هایتان چقدر است؟

شبی ۶۰۰ یورو کرایه این اتاق‌هاست و سـالی ۸هزار گردشـگر به دهکده ما می‌آیند. البته تمام این کرایه‌ها به جیب من نمی‌رود و بین تمام اهالی روسـتای بزم که در پذیرایـی از میهمانان به من کمک می‌کنند تقسـیم می‌شـود. من حتی سعی می‌کنم برای خرید مایحتاج میهمانانم از تمام مغازه‌های روستا خرید کنم که سود حاصل از آن به جیب همه برود.

چ وقتـی دهکـده میهمـان نـدارد چه می‌کنی؟

مثـل تمـام روسـتاییان در مزرعه و دامداری‌ام مشغول می‌شوم.

چ یعنی شغل قبلیت را به طور کامل رها نکردی؟

قبـلا دسـتفروش بـودم بـا روزی سـه‌هزارتومان درآمد. مزرعـه و دامداری نداشتم.

چ بچه که بودی دوسـت داشتی چه‌کاره شوی؟

(می‌خندد) یک روز در انشای دوره بچگی‌ام نوشته بودم دوست دارم در آینده شغل پادشاهی داشته باشم و همه مرا مسخره کردند. من همیشه آرزوهای بزرگی برای خودم داشتم ولی فقر خانواده‌ام هیچ‌گاه اجازه نداد به آن آرزوها برسـم و تحصیل را در دوره ابتدایی رها کردم.

چ بچه‌هایت چه؟ آنها این شغل را ادامه می‌دهند؟

بچه‌هایـم بارها به‌عنوان کوچک‌تریـن راهنمایان گردشـگری ایران مورد تشـویق قـرار گرفتند و یک دانشگاه در فرانسـه به دخترم زهرا دکترای افتخاری گردشـگری اعطا کرد و آنها از دست احمدی‌نژاد هم لـوح تقدیر و جایـزه گرفتند. آنها در حـال حاضر در دهکده گردشگری‌مان از میهمانان پذیرایی می‌کنند اما در آینده هم تصمیم دارند همین رشته را در دانشگاه بخوانند.

چ آموزشی در زمینه هتلداری هم دیده‌ای؟

بله بعد از آنکـه کارم بالا گرفت از دکتر ملک‌زاده، معاون گردشگری کشور خواهش کردم مرا به خارج از کشور بفرستند تا در این زمینه آموزش ببینم و آنها مرا به آلمان فرستادند و دوره آموزشی کوتاه‌مدتی در آنجا پشت‌سر گذاشتم.

چ میراث‌فرهنگی چقدر برای توسـعه کارت به تو کمک کرد؟

کمـک قابل‌توجهـی نکـرد. آنها حتی بـه دلیل کم‌سـوادبودنم به من مجوز گردشـگری نمی‌دادند تا اینکه بعد از آنکه اروپایی‌ها ما را مورد تشویق قرار دادند و ۳۶ شـبکه تلویزیونی جهـان با من مصاحبه کردند راضی شدند که به من مجوز گردشگری بدهند.

چ گویـا ماجـرای زندگـی‌ات هم مورد اسـتقبال فیلمسازان زیادی قرار گرفته است؟

بله دو مستندساز کشورمان به نام آقایان گنجی و عبدی‌پور دو فیلم جداگانه از زندگی من تهیه کردند و به‌تازگی هم یک گروه از هالیوود به روستایم آمدند و با پرداخـت مبلغی از من اجازه گرفتند تا فیلم زندگی‌ام را بسازند.

چ خودت در فیلم هالیوودی‌ها بازی می‌کنی؟

خیر، بازیگران خارجی نقش من و خانواده‌ام را ایفا خواهنـد کرد و این فیلـم در قاهره مصر فیلمبرداری خواهد شد.

نامه مردم

دردِدل یک جانباز:

مسوولان بنیاد شهید به مشکلات جانبازان رسیدگی نمی‌کنند

● مـن غلامرضا مـرادی، متولد ۱۳۴۴ از اسـتان خوزستان، شهرستان مسجدسلیمان هستم. در سال ۱۳۶۵ به عضویت سپاه پاسداران درآمدم و در همان سال دوبار در مناطق عملیاتی آبادان و فاو شیمیایی شدم، اما از آنجا که هدفم خدمت به نظام و انقلاب و آب و خاک بود پیگیر پرونده جانبازی‌ام نشدم. اولین‌بار در عملیات کربلای چهار به‌طور کامل شیمیایی شدم. بعد از جنگ هم پیگیرش نشدم تا سال ۱۳۸۵ که به دلیل مشقات زندگی به‌ناچار به بنیاد شهدا و جانبازان مراجعه کردم و برای من ۲۰درصد جانبازی در نظر گرفتند. در این سال‌ها هیچ‌کس از طرف بنیاد سراغ من نیامد. برادری داشتم که راننده تاکسی بود. تمام هزینه‌های زندگی و درمانم را او پرداخت می‌کرد. در این سال‌ها شغل ثابتی نداشتم اما دنبالش رفتم، در امتحان ورودی شـرکت ملی حفاری شرکت کردم، قبول هم شـدم اما افراد دیگری را استخدام کردند! پیش از شروع تحریم‌ها هم از بنیاد نامه گرفتم برای استخدام اما باز هم افراد دیگری را استخدام کردند. مشکلات زندگی و افزایش سن و اصرار دوستان باعث شـد بروم سـراغ بنیاد و فقط حق قانونـی خودم را طلب کنم. الان سوزش چشم و ضعف شدید بینایی و خارش پوسـت از عوارض جانبازی‌ام است. به‌طور متوسـط روزانه چهار عدد قرص مصرف می‌کنم تا بتوانم بخوابم. در جریان روند جانبازی که قرار گرفتم دیدم تبعیض و بی‌عدالتی بیداد می‌کند. به من گفتند باید حداقل ۲۵درصد جانبازی داشته باشی تا حقوق تعلق بگیرد و با همین بهانه به من حقوق ندادند. اول اعتراضم شخصی بود چون می‌دیدم من که این‌همه مجاهدت کردم این عاقبتم است و دیگری که اصلا پایش به جبهه باز نشـده صاحب ثـروت و قدرت و همه‌چیز شـده اسـت. اصلا جامعه ما امروز جامعه ارزش‌مداری نیست و امروز می‌بینیم که به جهادگران و جانبـازان واقعی که جراحت‌های شـدید روحی و جسمی دارند واقعا ظلم می‌شود. قبلا به‌صورت ماهانه کمیسیون پزشکی بنیاد تشکیل می‌شد این را جمع زیادی از جانبازان سراسر کشور تایید می‌کنند. حتی بارها به‌صورت دسته‌جمعی به مجلس رفته‌ایم و این مشکلات را مطرح کرده‌ایم اما هیچ ترتیب اثری داده نشده است. سیاست پزشکان بنیاد از بالا به آنها دیکته می‌شود و اساسا بر این است که جانبازان را نپذیرند و به قول خودشان هزینه‌تراشی نکنند. حتی مجلس از آقای زریبافان دعوت به پاسخگویی کرد اما ایشان حضور پیدا نکرد. در بنیاد رویه شـده که اگر کسی اعتراض به حقی هم بکند او را به حاشـیه می‌رانند. نارضایتی از عملکرد بنیاد گسترده است. برای مشکلم به اسـتانداری و فرمانداری و امام‌جمعه هم مراجعه کردم که فقـط نامه دادند و آن هم اثری نداشـت. نامه‌های جانبازان در بنیاد فقط بایگانی می‌شود. حتی طومار جمع کردیم و به مجلس بردیم اما رسیدگی نشد. حال هم جز یأس و سرخوردگی و سردرگمی چیزی نصیبم نشـده است اما باز هم اگر جنگی در بگیرد بنا به وظیفه ملی و دینی حتما در دفاع شرکت خواهم کرد.

تک خبر

افزایش ۱۳ درصدی طلاق در شهرها

یک طلاق به ازای هر ۲/۹ ازدواج در تهران

● **شـرق:** رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران گفت: براسـاس آمارهای موجود در سال ۹۱ به ازای هـر ۲/۹ ازدواج یک طلاق در تهران رخ داده اسـت که البته این آمار در کل کشور ۵/۵ است. همچنین آمار طلاق ۵/۲درصد افزایش داشته که این افزایش در نقاط شـهری ۱۳/۱ درصد بوده است. سیدحسن موسـوی‌چلک افزود: یکی از نشـانگرهای وضعیت موجود در هر حوزه‌ای آمارها هسـتند که اگر واقعی باشند یا حداقل به واقعیت نزدیک باشند، می‌توانند در برنامه‌ریزی موثر واقع شود. وی گفت: آمار ازدواج و طلاق اعلام‌شده توسط سازمان ثبت احوال کشور نشـان می‌دهد که در سال ۹۱ در کل کشور به ازای هر ۵/۵ ازدواج یک طلاق ثبت شـده اسـت. این در حالی است که این آمار در تهران به ازای کمتر از هر ۳ (۲/۹) ازدواج یک طلاق ثبت شـده است. رییس انجمـن مددکاری اجتماعـی تاکید کرد: همچنین آمارهای ارایه‌شده نشان می‌دهد که این شاخص در اسـتان‌های البرز۳/۵، قم۴/۵، سمنان۴/۶، مازندران ۴/۸ و گیلان۴/۹ ازدواج به ازای هر یک طلاق است که از میانگین کشور نیز بالاتر است. از طرف دیگر این شاخص در استان‌های سیستان و بلوچستان۲۰/۵، ایلام ۱۰/۹، چهارمحال و بختیاری ۱۰/۱، خراسـان جنوبی۹/۹و یـزد ۹/۳ ازدواج به ازای هر یک طلاق اسـت. به گفته موسـوی‌چلک، با توجه به بالاترین فراوانی طلاق در ترکیب سـنی مردان ۲۹-۲۵ ساله و زنان۲۰ تا ۲۴سـاله اسـت و با این وجود موضوع جوان‌بـودن زنان مطلقه را باید جدی گرفت که این شـرایط آمار زنان سرپرسـت خانـوار را نیز افزایش می‌دهـد، همانگونه که در سـال‌های اخیر نیز این اتفاق افتاده است. وی افزود: نکته دیگر این است که براساس آمارهای ازدواج و طلاق سازمان ثبت احوال که کمتر از آمار سـازمان ثبت اسناد کشور است، در سـال ۹۱ در هر ساعت ۹۵ واقعه ازدواج و ۱۷ واقعه طلاق به ثبت رسیده است.